



## یادداشت سردبیر

بیشتر این «کتابخانه های مرکزی دانشگاه» مجموعه‌هایی بسیار کوچک و گاه ناچیز دارند. هر چند مجموعه بزرگ‌ترین آنها (دانشگاه تهران) کمی بیش از نیم میلیون جلد است و این رقم همراه با مجموعه ۲۹ کتابخانه دانشکده‌ای و اقماری این دانشگاه (که به حدود ۳ میلیون جلد می‌رسد) مجموعه هنگفت و قابل توجهی را تشکیل می‌دهند؛ اما مجموعه اندک برخی کتابخانه های مرکزی دیگر، اعتبار آنها را در مقام «کتابخانه مرکزی دانشگاه» زیر سؤال می‌برد. حدود نیمی از آنها مجموعه ای کمتر از ۵۰۰۰۰ جلد دارند، فضای اختصاصی آنها نیز از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ متر، و تعداد کارکنانشان نیز بین ۲ تا ۱۰۲ کارمند در نوسان است.

همه این کتابخانه‌ها در ابتدا در مقام کتابخانه مرکزی تأسیس نشده‌اند؛ از سوی دیگر برخی از آنها، به قصد مرکزیت دادن کتابخانه ها در دانشگاه ایجاد شدند، که بعدها از آن قصد

«کتابخانه های مرکزی» در دانشگاه های ایران پدیده‌هایی نسبتاً جدید هستند. در دانشگاه تهران، قدیم‌ترین دانشگاه کشور، کتابخانه مرکزی در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد؛ یعنی ۳۷ سال پس از تأسیس نخستین کتابخانه دانشکده‌ای آن دانشگاه (کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی) که سال ۱۳۱۸ تاریخ ایجاد آن اعلام شده است.

بر پایه یکی از آخرین گزارش‌ها<sup>۱</sup> و پژوهش دفتر دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، در ایران ۶۷ کتابخانه دانشگاهی با وصف «مرکزی» وجود دارد که نخستین آنها، کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، در سال ۱۳۳۷ و آخرین آنها، کتابخانه مرکزی دانشگاه خلیج فارس، در ۱۳۷۲ تأسیس شده‌اند. از این شمار، ۱۵ کتابخانه، تنها کتابخانه موجود در دانشگاه خود هستند، و بقیه بین ۱ تا ۲۹ کتابخانه دانشکده‌ای یا وابسته دارند.

عدول شده است.

مانند بسیاری از کتابخانه های ایران، شمار زیادی از کارکنان کتابخانه های مرکزی دانشگاه ها، از جمله رئیسان آنها، دانش آموختگان کتابداری یا مدیریت (به بیان دیگر: حرفه ای) نیستند و حتی تجربه مدیر بودن را هم نداشته اند. بسیاری از این رئیسان «تمام وقت» نیز نیستند، بلکه یکی از «اعضای محترم هیئت علمی» دانشگاه هستند که برای به دست آوردن شرایط ارتقاء شغلی در دانشگاه پست «ستاره دار» ریاست کتابخانه مرکزی را، در کنار و حتی چه بسا در تعارض با مشغله های مرتبط تر با علائق حرفه ای و رشته ای، نظیر تدریس و تحقیق، می پذیرند. از این رو، بی ربط نیست اگر فرض کنیم که این «پست» تا زمانی برایشان جذابیت دارد که بتوانند از امتیاز آن برای ارتقاء شغلی بهره برند. «ابزاری بودن» انگیزه پذیرش ریاست کتابخانه مرکزی توسط اعضای هیئت علمی غیرمتخصص می تواند پیامدهایی منفی برای پیشرفت این کتابخانه ها داشته باشد.

متأسفانه در متون کتابداری فارسی، تعریف دقیقی از رسالت، مسئولیت، و وظایف کتابخانه های مرکزی در کشور ما ارائه نشده است و حتی بررسی کلی یا انفرادی هم از آنها انجام نشده است. ارتباط سازمانی و خدماتی این کتابخانه ها با دیگر کتابخانه های آن دانشگاه بسیار اندک و یا مبهم است و بیشتر کتابخانه های مرکزی در عمل به مثابه کتابخانه ای مستقل در دانشگاه فعالیت دارند. دانشکده ای بودن نظام خدمات کتابخانه ای در دانشگاه های ایران و در عین حال حضور کم و بیش بی استثنای «کتابخانه مرکزی» در آنها، این سؤال ها را به ذهن متبادر می کند که: سبب تأسیس این کتابخانه ها چه بوده؛ و چه کارکرد ویژه ای از آنها انتظار می رفته و می رود؟ این کتابخانه ها تا چه حد توانسته اند مقصودها را برآورده کنند؟ آیاتر تیبیات حاکم بر تأسیس و اداره خدمات کتابخانه ای در دانشگاه های ما کارا ترین و اقتصادی ترین است؟

پاسخ این سؤال ها در صورتی که مبتنی بر پژوهش و

بررسی باشد، می تواند توسعه خدمات کتابداری در دانشگاه های ما را نوید دهد و چشم اندازی را به سوی بهبودی بگشاید.

در امریکای شمالی، از دیرباز (۱۹۷۳) «انجمن کتابخانه های پژوهشی»<sup>۲</sup> دفتر کوچکی به نام «مرکز مبادله نظام ها و رویه ها»<sup>۳</sup> ایجاد کرده است که کار آن گردآوری اطلاعات از ۱۲۳ کتابخانه پژوهشی عضو انجمن درباره سیاست ها، نحوه اجرایی کردن آنها و عملکرد آنهاست. نتایج هر پیمایش و تصویر اسناد حاوی طرز عمل ها و سیاست های کتابخانه های عضو در جزواتی منتشر می شود و در اختیار قرار می گیرد. مدیران و کارشناسان کتابخانه های علاقه مند با مطالعه یافته ها و اسناد سایر کتابخانه ها، به چاره اندیشی برای حل مسائل خود با ایجاد نظام ها و طرز عمل های جدید، یا اصلاح نظام ها و طرز عمل های موجود می پردازند (از این جزوه ها تا این زمان ۲۹۱ شماره منتشر شده است. فهرست و متن کامل شماره های ۲۰۰ به بعد این جزوه ها را می توان در نشانی زیر یافت:

(<http://www.arl.org/spec/completed.htm>)

در یکی دو دهه اخیر افزایش سریع کتابخانه های دانشگاهی در کشور ما و منابع روزافزونی که از بودجه عمومی صرف آنها می شود، اقتضا می کند که برای حل پیچیدگی های موجود و حرکت به سوی شفاف سازی سیاست ها و بهینه سازی سازمان ها، تدابیری مشابه اتخاذ شود و سیاست ها و نحوه عملکرد این کتابخانه ها بررسی گردد.

در نبود نهادهایی مانند «انجمن کتابخانه های پژوهشی» در ایران، شاید کتابخانه ملی ج. ا. ایران، به اقتضای مأموریتی که قانون مصوب ۱۳۶۹ برای آن قائل شده است، بیش از هر نهاد دیگری شایستگی این کار را داشته باشد. این امر با افزایش چشم گیر توان پژوهشی، تسهیلات مادی، و منابع مالی کتابخانه ملی بیش از پیش ممکن به نظر می رسد.

ابراهیم افشارزنجانی

2. ARL = Association of Research Libraries  
3. SPEC = Systems and procedures Exchange center